

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|----------------------------|
| ۱۳ | پیش‌گفتار..... |
| ۱۹ | مقدمه..... |
| ۲۳ | روز مهمانی..... |
| ۲۴ | خواب شیرین..... |
| ۲۵ | دست‌های گشوده..... |
| ۲۶ | منتظرت هستم..... |
| ۲۷ | دوآینه..... |
| ۲۸ | دست‌هایی به سوی آسمان..... |
| ۲۹ | مُهر و شهادت..... |
| ۳۰ | طلب شهادت..... |
| ۳۱ | وصال..... |
| ۳۲ | آخرین نیایش..... |
| ۳۳ | دست‌های خالی..... |

- ۳۵ بزرگترین آرزو.....
- ۳۶ آنان که خاک را آنان که خاک را
- ۳۷ دست های جداشده..... دست های جداشده
- ۳۸ خدایا، عاشقم!..... خدایا، عاشقم!
- ۳۹ میهمانی خدا میهمانی خدا
- ۴۰ دل شکسته دل شکسته
- ۴۱ پیمان با خدا پیمان با خدا
- ۴۲ شایسته ی شهادت..... شایسته ی شهادت
- ۴۳ راهی ملکوت..... راهی ملکوت
- ۴۴ یادداشت خونین..... یادداشت خونین
- ۴۵ پیکر سوخته پیکر سوخته
- ۴۶ گریه ی آخرین گریه ی آخرین
- ۴۷ چگونه دوری تو را تحمل کند!..... چگونه دوری تو را تحمل کند!
- ۴۸ توشه ی راه توشه ی راه
- ۴۹ نوبت من است نوبت من است
- ۵۰ ستاره های آبی و سرخ..... ستاره های آبی و سرخ
- ۵۲ محل دفن محل دفن
- ۵۳ خداحافظی خداحافظی
- ۵۴ رهسپار رهسپار
- ۵۵ تمامی صحنه های شهادت تمامی صحنه های شهادت
- ۵۶ احساس نشاط عجیب..... احساس نشاط عجیب
- ۵۸ مثل علی اصغر علیه السلام..... مثل علی اصغر علیه السلام
- ۵۹ نه به خاطر بهشت، نه ترس جهنم..... نه به خاطر بهشت، نه ترس جهنم
- ۶۰ غسل شهادت غسل شهادت
- ۶۱ لباس احرام..... لباس احرام

- ۶۳ وضوی خون
- ۶۴ حجله ی شهادت
- ۶۵ میعادگاه
- ۶۶ فیض شهادت
- ۶۷ چرا از شهادت من جلوگیری می کنید؟
- ۶۸ به چه فکر می کنی؟
- ۶۹ ده روز قبل از عید
- ۷۰ آخرین بار
- ۷۱ لقاء الله
- ۷۲ سفر به ملکوت
- ۷۳ عشقِ عجیب
- ۷۴ خانه ی امید
- ۷۵ افطار خون
- ۷۶ جبهه، بهشت است
- ۷۷ بوی عطر
- ۷۸ قرعه ی شهادت
- ۷۹ تکیه کلام
- ۸۰ مظلومیت ها
- ۸۱ زیارت شهدا
- ۸۲ رزرو جا!
- ۸۳ پیکر بی سر
- ۸۴ نقاشی و واقعیت
- ۸۵ اسم مرا هم خواند!
- ۸۶ بی دست و پا و سر!
- ۸۷ کربلای من

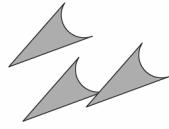
| | | |
|-----|-------|---------------------------|
| ۸۸ | | مزد عشق |
| ۸۹ | | نامه ی آقا! |
| ۹۰ | | امضاء یادگاری |
| ۹۱ | | در کنار عباس |
| ۹۲ | | افق سرخ |
| ۹۳ | | آن سوی پرده |
| ۹۴ | | قربانی |
| ۹۵ | | بوی خوش |
| ۹۶ | | نسیم خنک و نسیم شهادت |
| ۹۷ | | پافشاری |
| ۹۸ | | تاریخ شهادت |
| ۹۹ | | اولین شهید گردان |
| ۱۰۰ | | امضاء وصیت نامه |
| ۱۰۱ | | حرکت به سوی شهادت |
| ۱۰۲ | | خدمت من فردا تمام می شود! |
| ۱۰۳ | | بر مزار عاشقان |
| ۱۰۴ | | اشک شوق |
| ۱۰۵ | | قبل از اربعین |
| ۱۰۶ | | با فرق خونین |
| ۱۰۸ | | حقیقت |
| ۱۰۹ | | پایان راه |
| ۱۱۰ | | وعده ی دیدار |
| ۱۱۵ | | مرا اینجا خاک کنید! |
| ۱۱۷ | | آماده برای پرواز |
| ۱۲۱ | | بچه ها حرکت کنید |

| | |
|-----|--------------------------|
| ۱۲۳ | کارت عروسی |
| ۱۲۵ | حنایی که پاک نشود |
| ۱۲۶ | بی سیم چی |
| ۱۲۷ | تنها یک نفر |
| ۱۲۸ | جان فدا |
| ۱۳۰ | راهی برای عبور |
| ۱۳۱ | شما بروید که اسیر نشوید! |
| ۱۳۳ | بی قرار |
| ۱۳۴ | انتظار |
| ۱۳۵ | رزمنده ی دلیر |
| ۱۳۶ | هر دو با هم! |
| ۱۳۷ | حج من جبهه است! |
| ۱۳۸ | در صحنه ی درگیری |
| ۱۴۰ | مرا بگذار |
| ۱۴۲ | یا شهادت یا پیروزی |
| ۱۴۳ | ایستاده استوار |
| ۱۴۴ | تا آخرین نفس |
| ۱۴۶ | پیوند جاودانه |
| ۱۴۷ | مراسم عروسی |
| ۱۴۸ | فریاد اعتراض |
| ۱۴۹ | برای دادن سر |
| ۱۵۰ | نفس های آخر |
| ۱۵۱ | نفر سوم |
| ۱۵۲ | گلاب پاش |
| ۱۵۳ | من باید شهید شوم |

- ۱۵۴.....مسافر کربلا
- ۱۵۵.....زیر تانکهای عراقی!
- ۱۵۶.....شبانگاه خونین
- ۱۵۷.....خوش قول
- ۱۵۸.....نماینده‌ی من
- ۱۵۹.....آماده‌ی شهادت
- ۱۶۰.....عکس شهادت
- ۱۶۱.....رفع عطش عشق
- ۱۶۲.....مگر یک جا بیشتر داریم؟
- ۱۶۳.....من می‌روم پیش آقا
- ۱۶۵.....نوبت
- ۱۶۶.....بچه‌ها را به پیشروی تشویق می‌کرد
- ۱۶۷.....دستم را بگیر
- ۱۶۸.....شلیک سوم
- ۱۶۹.....قبول نکرد
- ۱۷۰.....سپر بلا
- ۱۷۱.....باید بروم!
- ۱۷۳.....غواص دریا دل
- ۱۷۷.....گونی
- ۱۷۹.....تا شهید نشوم بر نمی‌گردم!
- ۱۸۴.....پایش سالم سالم بود!
- ۱۸۷.....به سوی معبود
- ۱۸۸.....آخرین فشنگ
- ۱۸۹.....تا آخر جنگ
- ۱۹۰.....پای بر نردبان عرش

- ۱۹۱..... پرواز به قلب نیروهای دشمن
- ۱۹۳..... همه ماسک داشتند جز او!
- ۱۹۴..... دستهایش را به خون خود آغشت و به صورت کشید!
- ۱۹۷..... پدر
- ۱۹۸..... ماسک
- ۱۹۹..... با یک چشم
- ۲۰۰..... دیگر تکرار نمی شود
- ۲۰۲..... عجله نکن
- ۲۰۴..... خودش را انداخت روی نارنجک
- ۲۰۵..... برای نجات من!
- ۲۰۸..... با باندهای سر خود، جراحت مرا بست!
- ۲۰۹..... آخرین دیدار ما
- ۲۱۱..... از هر عملیات، یادگاری داشت!
- ۲۱۳..... حسرت شهادت
- ۲۱۴..... جذب ترکش
- ۲۱۵..... بالاخره رفت و گرفت!
- ۲۱۶..... همسفر
- ۲۱۷..... دانشگاه عشق
- ۲۲۰..... باید مرد راه بود
- ۲۲۳..... آرزوی شهادت
- ۲۲۴..... هر لحظه‌ی عمر من
- ۲۲۵..... آخرین شب
- ۲۲۶..... آرزوی شهادت
- ۲۲۸..... پیشانی بند
- ۲۲۹..... همان قبر!

- ۲۳۰ تیر به قلب من!
- ۲۳۱ جای خالی عکس من
- ۲۳۲ آخرین روزها
- ۲۳۳ خیلی علاقه دارم شهید بشوم
- ۲۳۵ زیر آتش شدید
- ۲۳۷ منابع



پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ.**

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه‌ه ۴)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از

پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.

این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد

برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی‌الله‌علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مرییان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان- به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی- کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

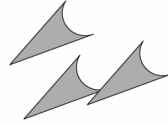
مراحل بعدی کار؛ حروف‌چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.

سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانستند و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند. و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه

خوردند، درّ از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع
فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.
و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان.
امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای
عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان
بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در
این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





مقدمه

الموتُ أُولَى مِنْ رُكُوبِ العَارِي

مرگ سرخ، به از زندگی ننگین است.

«حضرت سیدالشهداء علیه السلام»

شهادت طلبی سیره‌ی معصومین علیهما السلام است. تا جایی که نبی مکرم اسلام - که درود خدا بر او باد - می‌فرماید: «دوست دارم که در راه خدا بجنگم و کشته شوم و باز بجنگم و کشته شوم و باز هم بجنگم و کشته شوم.»^۱

و مولای متقیان حضرت علی علیه السلام، هزار بار قطعه قطعه شدن با شمشیر را بهتر از مرگ در بستر می‌داند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به

پیروان خط آنان به ارث رسیده است.^۱

از کسانی که اهل بیت را نشناخته اند، چه انتظار است که

شهادت را بشناسند!

برخی مکاتب هیچ معادلی برای شهادت ندارند. لذا به ناچار "انتحار" را معادل شهادت یا استشهاد قرار می‌دهند. درست است که انتحار و استشهاد - هر دو - در جای دادن داوطلبانه اشتراک دارند، اما حکایت این کجا و آن کجا!

انتحار، اقدامی بر علیه خود است؛ اما استشهاد، اقدامی است برای سعادت خود. چرا که به فرموده‌ی نبی مکرم اسلام "أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَهِيدٌ"^۲ اولین کسی که وارد بهشت می‌شود شهید است.

انتحار حرکت به سوی نیستی و نابودی است، ولی استشهاد آغاز حیات طیبه‌ای است که روزی خواری عندریهم را به همراه دارد.

در انتحار نوعی جهل و ناآگاهی حاکم است، چرا که طبیعت بشر از مرگ گریزان است. آن که در عین نفرت از چیزی، به سمتش می‌رود، جاهل است. بر انتحار اگر اثری مترتب باشد زودگذر و بی‌برکت است.

اما در شهادت، آگاهی، بصیرت و شجاعت حاکم است. شهید

۱ - صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۶

۲ - بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۱

با آگاهی، نگاه به افق روشن آینده و داوطلبانه جان فانی خویش را می دهد تا جان جاودانی به دست آورد. آثار شهادت برای جامعه نیز، آثاری ماندگار، عمیق، و با برکت است. رزمندگان سرفراز اسلام با تأسی به قافله سالار مجاهدان و شهیدان، حضرت امام حسین علیه السلام، پای در راه سختی نهادند که اجر بهترین تلاش گران این راه، شهادت بود. بنا به فرموده حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، چونان حسین علیه السلام پای در رکاب جهاد گذاشتند و همچون او نیز به شهادت رسیدند.

این کتاب "شهادت طلبی" سندی ماندگار و خاطراتی شیرین و تأثیرگذار از روحیه ی شهادت طلبی آن ره یافتگان بارگاه ملکوتی است. امید آن که نسیم روحبخش این خاطرات جانهای کسل ما را نیز شهادت طلب کند، ان شاء الله.

«سلام امت اسلامی بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ»^۱

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

۱ - حضرت امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۲۶